

از علی آموز اخلاص عمل

(مناقب علوی در مثنوی مولوی)

اثر: دکتر محمد حسن فؤادیان

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۲۱ تا ۳۹)

چکیده:

امام علی (ع) شهسوار بی شکست و نام آور بی همتایی است که مناقب و فضائل بسیارش زینت بخش دفتر صاحب‌دلان و کلام عارفان است. جلال‌الدین محمد مولوی که سرمست از محبت و ولایت علوی است با استناد به داستان رویارویی آن حضرت (ع) با عمرو بن عبدود در جنگ خندق به بیان مناقب آن امام بزرگ پرداخته و به جهت اثر بخشی هر چه بیشتر و نتیجه‌گیری بهتر با تصرفی اندک در بیان حادثه مذکور برخی از مناقب آن حضرت را از زبان خصم بیان می‌دارد. در این مقاله تلاش گردیده مناقب مذکور در آن داستان استخراج و در حد امکان با آیات و روایاتی که در شأن آن احوال است مستند گردد. مناقبی مانند: علی (ع) آموزگار اخلاص، شیر خدا، منزله از هر بدی، پیشتاز میدان نبرد، فخر پیامبران و اولیای الهی، مسجود آفرینش و ...

واژه‌های کلیدی: پیامبر اسلام (ص)، امام علی (ع)، شیعه، ولایت،

مولوی، مثنوی، مناقب.

مقدمه:

الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین .

فضائل و مناقب امیر مؤمنان و سرسلسله عارفان امام علی علیه السلام از شمار بیرون و از بسیار افزون است . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند : «اگر درختها قلم و دریاها مرکب و جنیان شمارندگان و آدمیان نویسندگان شوند فضائل او را شماره نتوانند کرد» (بحار الانوار ج ۴۰ ص ۷، لسان المیزان ج ۵ ص ۶۲) بسیاری از این مناقب که پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله در شأن و منزلت آن حضرت بیان فرموده قرار از کف عارفان ربوده و ایشان نیز به هر زبان که توانسته اند آن امام را ستوده اند . از میان آن همه ستاینندگان جلال الدین محمد مولوی صاحب مثنوی معنوی با مشتاقی و شیفتگی خاص به تلویح یا تصریح آن مناقب را یاد آوری نموده و ابیاتی نغز در بیان آن سروده است . او با چیره دستی خود در داستان پردازی و حادثه سازی برخی از مناقب را از زبان دشمنان آن حضرت بیان کرده و بدینگونه تأثیر آن را بیشتر نموده است . با توجه به جایگاه مولوی در فرهنگ و ادبیات ما بررسی شخصیت و مناقب آن حضرت علیه السلام از دیدگاه وی ضرورتی آشکار است و ما در این مجال مختصر نگاه مولوی به مناقب علوی را از دریچه داستان خدو انداختن خصم بر روی علی علیه السلام مورد توجه قرار می دهیم .

علی علیه السلام آموزگار اخلاص ، شیر خدا ، منزله از هر بدی

از علی آموز اخلاص عمل شیر حق را دان منزله از دغل

در این بیت مولوی به سه منقبت از مناقب علی علیه السلام اشاره نموده است :

۱ - علی آموزگار اخلاص و از مخلصین است . هر چند مولوی تنها اشاره به مقام آموزگاری اخلاص برای آن حضرت نموده است ولی بدون تردید نارفته راه نتوان رهنما شود او منازل سالکان کوی وصال (مخلصین) را پیموده و به کوی دوست ره

یافته است و به واسطه توفیق در این راه است که شیر حق یعنی بزرگ پاسدار دین خدا و ازرشهای الهی گردیده و از هر عیب و نقص و مکر و حيله‌ای دور است. مخلصین پاکان و تطهیر شدگان و معصومین می‌باشند.

۲- شیر خدا (اسدالله) یکی از بی‌شمار القاب آن حضرت است که پیامبر خدا ﷺ به ایشان هدیه فرموده‌اند. لقبی که نماد شجاعت و دلیری است. در حدیث است:

۳- منزّه از هر بدی (پاک، معصوم) او رهنمای صادق و پیشوای کاملی است که از هر گونه نیرنگ و حيله دور است چون ریشه نیرنگ و فریب در رجس و پلیدی است و آن حضرت به فرموده خداوند در آیه مبارکه: ﴿أَمَّا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ (احزاب / ۳۳) از هر پلیدی دور است و اشاره مولوی در آخر بیت (منزه از دغل) یا به نقل بعضی نسخه‌ها (مطهر از دغل) کنایه از عصمت آن حضرت است، و آن حضرت که آموزگار اخلاص است مصداق و حقیقت صراط مستقیم است. ره یافتگان به صراط مستقیم ثابت قدمان مقام سلوک و تطهیر شدگان مقام وصالند و برای اهل اقتدا پیشوا و امامند.

علی علیه السلام پیشتاز میدان نبرد

در غزا بر پهلوانی دست یافت زود شمشیری برآورد و شتافت

یعنی آن حضرت در نبرد با دشمنان هیچ سستی و کاهلی و درنگ و تردیدی از خود نشان نمی‌داد و چون با آن پهلوان نامدار و قوی پنجه عرب که آوازه‌اش همه جا را درنوردیده بود روبرو گردید در آن هنگام که وحشت سراپای همه را گرفته بود و کسی را یارای برخاستن و مبارزه با آن دشمن غدار نبود همو بود که بی هیچ ترس و سستی از جای برخاست و با اجازه پیامبر ﷺ به نبرد با او شتافت.

علی علیه السلام فخر پیامبران و اولیای الهی

او خدو انداخت بر روی علی افتخار هر نبی و هر ولی

علی علیه السلام پرورش یافته مکتب پیامبر صلی الله علیه و آله انسانی کامل و پیشوایی عادل است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با افتخار همگان را دعوت می‌کند که به عصاره همه فضائل و خوبیها و میراث دار همه پیامبران یعنی علی علیه السلام بنگرند. آنجا که فرموده‌اند: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَ إِلَى نُوحٍ فِي تَقْوَاهُ وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ وَ إِلَى مُوسَى فِي هَيْبَتِهِ وَ إِلَى عِيسَى فِي عِبَادَتِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام» (فضائل الصحابة . بیهقی نقل از بحار ج ۳۹ ص ۳۸)

علی علیه السلام مسجود آفرینش

او خدو انداخت بر رویی که ماه سجده آرد پیش او در سجده‌گاه در این بیت مولوی به اشارتی ولایت آن حضرت بر تمامی کائنات را بیان می‌دارد و مقصود از سجده اطاعت محض ماه و دیگر مخلوقات خداوند از آن حضرت است، و از آنجا که در عربی به شمس و قمر قمرین می‌گویند، می‌تواند این بیت اشارتی به اطاعت خورشید از فرمان پیامبر در رابطه با باز ایستادن آن و نماز گزاردن امام علی علیه السلام داشته باشد.

علی علیه السلام شجاع بی همتا و جوانمرد بی نظیر

در شجاعت شیر ربانیستی در مروت خود که داند کیستی در شجاعت و دلیری صفت شیر خدا داری و آیا برتر از این صفت (شیر خدا) برای بیان شجاعت تو هست و در مروت و جوانمردی نیز نظیری نداری و کسی را یارای درک آن نیست، تو آنی که در هنگامه جنگ احد از آسمان در باره تو ندا آمد که: «لا فتی الا علی، لا سيف الا ذوالفقار»

علی علیه السلام باران رحمت در بیابان وحشت و مایه نجات

در مروت ابر موسایی به تیه کامد از وی نان و خوان بی شبیه تیه وادی حیرت است «و اولین وادی از هفت وادی سالکین است که ممکن است تا چهل سال در وادی تفرقه حواس به مثل بنی اسرائیل سرگردان بمانند تا تدریجاً به

ولایت علی علیه السلام جمع حواس کرده به ارض مقدس توحید نفس برسد. (پاورقی
مثنوی کلاله خاور ص ۷۳)

علی علیه السلام جمله عقل و دیده

ای علی که جمله عقل و دیده‌ای شمه‌ای واگو از آنچه دیده‌ای
ای علی که همه عقل و دیده یعنی اعتقاد و بصیرت هستی، در این حال چه
مشاهدات و مکاشفاتی داشتی و دیدی؟ از آنچه دیدی برای ما بازگو کن.
آن حضرت فرموده است: «والله ما نزلت آیه الا و قد علمت فیم أنزلت و این
أنزلت ان ربی وهب لی قلباً عقولاً و لساناً سوؤلاً» (بحار الانوار ج ۴ ص ۱۷۸)
یعنی به خدا قسم آیه نازل نشد مگر اینکه من می دانستم در باره چه کسی و در
چه مکانی نازل شده است، همانا خداوند به من قلبی دریافت کننده و فهیم و زبانی
پرسش کننده بخشیده است.

علی علیه السلام بردبارترین و داناترین

تیغ حلمت جان ما را چاک کرد آب علمت خاک ما را پاک کرد
تیغ حلم کنایه از بردباری بسیار است که تأثیر گذار گردیده است و آب علم نیز
کنایه از علم بسیار و جاری و متصل به دریاها بی کران الهی است که دل‌های ناپاک را
پاک نموده و دل مردگان را حیات می بخشد.

در حدیث است که عایشه گوید فاطمه دختر پیامبر به من می گفت که پیامبر به او
فرموده است: ای فاطمه عالم ترین مؤمنین و پیشگام ترین ایشان در گرویدن به
اسلام و برترینشان در حلم و بردباری را به تزویج تو در آوردم. (فضائل ابن عقده ص ۲۴)

علی علیه السلام: دانای اسرار الهی، انسان کامل و مظهر افعال الهی

باز گو دانم که این اسرار هوست زانکه بی شمشیر کشتن کار اوست
در این بیت علی علیه السلام به صفت آن انسان کامل که افعال او الهی است توصیف
می شود. کشتن بی شمشیر یعنی کشتن نفس اماره و زندگی روحانی بخشیدن روش

حق تعالی است . خویشتن داری و شکیبایی و جوانمردی علی علیه السلام بی ایمانی را در دشمن او کشت و دل او را بر معرفت و عشق حق تعالی گشود . (شرح مثنوی . نیکلسون ج ۱ ص ۴۹۵)

بی شمشیر کشتن اشاره است به آنکه خدا چون خواهد روح حیوانی را در بنده ای بکشد و به او حیات روحانی می بخشد و علی علیه السلام هم که مظهر قدرت خداست با حلم و بردباری با دشمن خود چنین کرد . (شرح مثنوی شهیدی ص ۲۲۷)

علی علیه السلام دانای علوم غیبی و اسرار نهانی

باز گو ای باز عرش خوش شکار تا چه دیدی این زمان از کردگار
چشم تو اسرار حق آموخته چشمهای حاضران بر دوخته

ای علی دیده تیز بین تو که شاهباز عرش الهی هستی پس پرده های غیب را درنوردیده و نادیده ها را دیده و آنچه را که دیدگان اهل بصیرت و کمال که حاضران پیشگاه الهی اند از درک آن عاجز و ناتوان و از دیدنش نابیناوند به نیکی دریافته و ادراک نموده است و تردیدی که اولیاء خاص الهی به اذن پروردگار و به اراده او از امور غیبی آگاه می گردند ، چنانکه خداوند فرموده است :

﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ﴾ (جن / ۲۶)
خداوند دانای غیب است و ظاهر نسازد بر غیب خود احدی را مگر کسی را که برای پیغمبری پسندیده باشد .

یزداد بن ابراهیم از یکی از شیعیان نقل می کند : شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود : بخدا قسم که خدای تبارک و تعالی نه چیز بمن عطا فرموده است که پیش از من جز به پیغمبر بهیچ کس عطا نفرموده است . راهها بر روی من باز است و نژادها را می دانم ، حرکت ابرها بدست من است آمار مرگها و گرفتاریها و حکمهای قطعی در نزد من است و با اجازه پروردگارم بیاطن جهان دست یافتم و هر چه پیش از من بوده است و آنچه پس از من خواهد آمد از

دیده من پنهان نیست و با دوستی و ولایت من خداوند دین این امت را کامل کرده و نعمتها را بر آنان تمام و اسلامشان را پسندیده زیرا که به روز غدیر بمحمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود:

ای محمد به اینان خبر بده که من امروز دینشان را برای آنان کامل نمودم و اسلام را برای آنان دین پسندیدم و نعمتم را بر آنان تمام کردم، همه اینها منتهی است که خداوند بر من نهاده و ستایش او را سزااست و بس. (خصال ص ۴۸۲)

علی عَلَيْهِ السَّلَام مرتضی، رازگشا و داوری شایسته

راز بگشای ای علی مرتضی ای پس سوء القضا حسن القضا

یعنی ای علی مرتضی که دانای اسرار عالم و گشاینده رازها هستی و بر حقیقت احوال آگاهی و ای کسی که در پی قضاوتهای نادرست دیگران و موقعیتهائی ناگوار قضاوت کننده به حق و یا عین قضاوت حق و نیک هستی راز دست نگهداشتن از قتل مرا با اینکه بر من دست یافته و چیره گشتی بگشای.

در این بیت به سه منقبت از آن حضرت اشاره شده است:

۱- علی عَلَيْهِ السَّلَام رازگشا: آن حضرت عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «سلونی عن اسرار الغیوب فانی وارث علم الانبیاء و المرسلین» یعنی از من رازهای پنهان را بپرسید چون وارث علوم پیامبران هستم (بنابع الموده باب ۱۴ ص ۶۹)

۲- علی عَلَيْهِ السَّلَام مرتضی است: جلال الدین سیوطی گوید: چون آیه ﴿انّ الذین امنوا و عملوا الصالحات... رضی الله عنهم و رضو عنه ذلک لمن خشى ربه﴾ (بینه ۸ و ۷) نازل گردید پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «هو انت و شیعتک راضین مرضیین» یعنی مصداق آیه تو و شیعیانت هستید در حالی که از خدای راضی و مورد رضایت او نیز هستید. (الدر المثور ج ۶ ص ۳۷۹)

۳- حسن القضا مظهر داوری نیکو و حق، داور شایسته، مظهر قضاوت حق و

صحیح

پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «اقضى امتی و اعلم امتی بعدی علی» بهترین قضاوت کننده امت من و داناترین امت من بعد از من علی علیه السلام است. (بحار الانوار، ج ۴۰ ص ۱۳۵)

محتمل است اشاره به قضاوتهای آن حضرت در مواقع مختلف خصوصاً در عهد عمر بن خطاب داشته باشد که پس از قضاوتهای نادرست خلیفه دوم اظهار نظر و قضاوت صحیح علی علیه السلام را تغییر می داد تا آنجا که عمر می گفت: لولا علی لهلك عمر.

و بیشتر علماء اهل سنت از جمله ابن حجر عسقلانی در تهذیب التهذیب ص ۳۳۷ در الاصابه ج ۲ ص ۵۰۹ و ابن حجر مکی الهیثمی در الصواعق المحرقة ص ۷۸ و ابن اثیر در اسد الغابه ج ۴ ص ۲۲ و ابن عبداللّه در الاستیعاب ج ۲ ص ۴۷۴ و... آورده اند که: عمر می گفت پناه می برم به خدا از مشکلی که علی در حل آن نباشد و می گفت همانا علی داناترین ماست و اگر نبود علی هر آینه عمر هلاک می گشت. (کان عمر یقول اعوذ بالله من معضله لیس فیها اموال الحسن و یقول انّ علیاً افضانا و لولا علی لهلك عمر)

علی علیه السلام نور الهی ولی کامل و حجت خدا

از تو بر من تافت چون داری نهان	میفشانی نور چون مه بی زبان
از تو بر من تافت پنهان چون کنی	بی زبان چون ماه پرتو می زنی
لیک اگر در گف آید قرص ماه	شب روان را زودتر آرد براه

ولی و مرشد می تواند بی زبان یعنی بی آنکه لب از لب بگشاید به نیروی اشراق و شعشعه انوار روحانی مرید خود را تحت تأثیر قرار دهد، اما حال چون با قال و پند و ارشاد توأم شود مؤثرتر است. (شرح مثنوی. نیکلسون دفتر اول ص ۴۸۶)

۱- در روایت است که ابن عباس در شرح آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ

غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۲۸﴾ (حدید / ۲۸) فرموده است که مقصود از یُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ حَسَنٌ وَ حَسِينٌ عَلَيْهِمَا و مقصود از یَجْعَلْ لَكُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ است .
(شواهد التنزیل ج ۲ ص ۲۲۷)

۲- و قرص ماه کنایت از ولی کامل و حجت خداوند است . و پیامبر ﷺ فرموده‌اند : «انا و علیٌّ حجةُ الله علی عباده» (کنوز الحقایق ص ۴۳) من و علی حجت خداوند بر بندگان خدائیم .

علی علیه السلام دروازه شهر علم پیامبر ﷺ

چون تو بابی آن مدینه علم را چون شعاعی آفتاب حلم را ای علی من بدین سبب گویم که درگفت آ ، که تو باب مدینه علم پیامبر ﷺ و شعاع آفتاب حلم آن حضرت ﷺ هستی .

علی علیه السلام باب مدینه علم نبی است . قال رسول الله ﷺ : «أنا مدينة العلم و علی بابها فمن اراد المدينة فلیأتها من بابها» من شهر علم و علی دروازه آن و هر که بخواهد به این شهر وارد گردد باید از دروازه آن وارد گردد . (مناقب ابن مغزلی ص ۸۰ .
کفایة الطالب باب ۵۸ ص ۹۹ ، بحار الانوار ج ۴۰ ص ۲۰۶ ح ۱۴)

درست این سخن قول پیغمبر است که من شهر علم علی ام در است (فردوسی)

علی علیه السلام واسطه فیض و باب رحمت الهی

باز باش ای باب بر جویای باب تا رسد از تو قشور اندر لباب
باز باش ای باب رحمت تا ابد بارگاه ماله کفواً أحد
ای باب علم نبی ﷺ بر جویندگان آفتاب حقیقت باز باش تا به واسطه فیض تو دیده ظاهر نگر ما باطن بین گردد و از عالم صورت به معنی رسد . ای که باب رحمت الهی بر مردمانی و باب ورود به بارگاه خداوند بی همتایی ، به روی ما باز باش .

حضرت علی علیه السلام و هر ولی که وارث او می باشد ، بارگاه الهی و باب اسماو صفات نامتناهی است . بلکه اگر با نظر حق بینی بنگری وجود هر ذره به جانب خدا دری است .

همچنین رسول اکرم صلی الله علیه و آله در اخبار معراج می فرماید : « ... پروردگرم با من سخن گفت و مناجات کرد ؛ پس چیزی به من یاد نداد جز آنکه آن را به علی آموختم ؛ پس او دروازه شهر علم من است ؛ فهو باب مَدینةِ علمی » (همان ص ۵۱۷) در حدیث است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : یا علی مثل تو در امت من مثل باب «حطه» در بنی اسرائیل است و کسی که داخل شود در ولایت تو داخل شده است در آن باب چنانچه خدای عز و جل امر فرموده که داخل آن گردید .

ابی سعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که آن حضرت فرمود : «علی بن ابی طالب باب حطه ، من دخل منه کان مؤمناً و من خرج منه کان کافراً» (کنز العمال ج ۶ ص ۱۵۳)

علی علیه السلام امیرالمؤمنین ، جان بخش مردگان

پس بگفت آن نو مسلمان ولی از سر مستی و لذت با علی

که بفرما یا امیرالمؤمنین تا بجنبد جان به تن در چون جنین

در این ابیات و بیتهای بعد مولوی با بیان تمثیلی دوران تکامل جنین از زبان آن مغلوب به خاک افتاده می گوید : ای امیرمؤمنان بفرما (سخن بگو) تا از سخن تو که برتر از هر نفس گرم و دم مسیحایی است به جان مرده من حیات آید مانند حرکت و جنبشی که در جنین با فرارسیدن زمان ایجاد روح (چهار ماهگی) بوجود می آید .

امیرالمؤمنین از القاب ویژه حضرت است که از طرف خدای سبحان به ایشان عطا شده است . رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید : هنگامی که مرا به آسمانها بردند ، خداوند فرمود : یا مُحَمَّدُ إِفْرَأْ عَلِيَّ عَلِيٌّ بِنِ ابِي طَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَمَا سَمَّيْتُ بِهِ أَحَدًا قَبْلَهُ ، و لا أُسَمِّي بِهَذَا أَحَدًا بَعْدَهُ ؛ « ای محمد ، علی را با نام امیرالمؤمنین

بخوان ، من کسی را پیش از او و پس از او به این نام نخوانده‌ام . « (الامالی . شیخ طوسی ص ۲۹۵ ج ۲۵ ، بحار الانوار . مجلسی ج ۳۷ ص ۲۹۰)

این لقب در نصوص پشتوانه‌ای قدیم و قویم دارد ؛ مثلاً بحرانی در غایة المرام فقط در بابهای هشتم و نهم ۸۱ حدیث در این باره از شیعه و سنی آورده است . (غایة المرام . سید هاشم بحرانی ج ۱ باب ۹ و ۸)

علی علیه السلام مجاهد منور به نور الهی

باز گو ای باز پر افروخته باشه و با ساعدش آموخته

پر افروخته یعنی روشن بال و از پر عقل مقصود است که عقل علی علیه السلام به نور الهی روشن بود و از ساعد حضرت حق - جلّ و علا - را قصد دارد و از بازو و ید قدرت او را . (شرح مثنوی . شهیدی ج ۴ ص ۲۳۸)

ای بلند پروازی که با بال و پر عقل الهی پرواز می‌کنی و دست پرورده خداوند عالم می‌باشی سخن بگو چون تو از فراز نظاره می‌کنی و همه چیز را خوب می‌بینی .

علی علیه السلام مظهر ولایت الهی و مظهر العجایب

باز گو ای باز عنقا گیر شاه ای سپاه اشکن به خود نی با سپاه

باز عنقا گیر یعنی بازی که عنقا شکار می‌کند . استعارت از آنکه بصورت خرد است و در عمل بزرگ ، در صورت انسانی همچون دیگر انسانها اما در توانایی دست خدا و بر هر کار توانا . (شرح مثنوی . شهیدی ج ۴ ص ۲۳۸)

عنقا گیر یعنی قادر به درک اسرار عرفان . عنقا مرغ افسانه‌ای است که اغلب آن را با سیمرغ یکی دانند . (شرح مثنوی . نیکلسون ج ۱ ص ۵۰۱)

ای بلند پروازی که بر هر کاری توانا گشته‌ای ، ای کسی که به واسطه قدرت حق تعالی سپاه عظیم را بدون سپاه و یک تنه شکست می‌دهی ، ای صاحب سرّ و مظهر ولایت الهی سرّ کار خود با من بگو .

علی علیه السلام یک امت (انسان کامل)

امت و حدی یکی و صد هزار باز گو ای بنده بازت را شکار

یعنی ای علی تو به حسب ظاهر یک شخصی اما بحسب معنی مانند صد هزار نفری ، قول : «واحدٌ كالآلف و رجل يعدل الآلاف» ما صدق حال توست . در حقیقت اگر حق تعالی قدرت و قوت تمام عالم را در یک نفر جمع کند هیچ مستنکر نیست کما قیل :

لیس علی الله بمستنکر ان یجمع العالم فی واحدٍ

این حدیث شریف نیز مؤید همین مضمون است . قال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَالِمٌ وَاحِدٌ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ الْفِ عَابِدٍ . (شرح انقروی بر مثنوی ج ۳ ص ۱۳۶۷)

معنی بیت : ای علی ای آنکه یک نفری ولی چون امتی هستی این سر را برای من که صید شهباز همت تو گردیده ام بیان کن .

علی عَلَيْهِ السَّلَام مظهر اخلاص در عمل

گفت من تیغ از پی حق می زنم بنده حقم نه مأمورتم

شیر حقم نیستم شیر هوی فعل من بر دین من باشد گواه

در اینجا مولوی به شرح اولین بیت خود در باره این رویارویی پرداخته است و در این بیت و ابیات بعد از آن نمونه های اخلاص و مصادیق آن را در سیره امام علی عَلَيْهِ السَّلَام نشان می دهد .

از دیدگاه امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام گفتار و رفتار بی اخلاص هیچ ارزشی ندارد و هرکاری باید در راه رضای خدا و به دور از هرگونه توقع و چشمداشت و یاریکاری باشد و او از آغاز تا انجام زندگی در این دنیا بعد از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مظهر اخلاص و پاکی است و بواسطه این اخلاص بود که خداوند او را ستوده و در شأن او آنگاه که در بستر پیامبر قرار گرفت تا آن حضرت از مکه هجرت فرمایند (لیلة المبیت) فرموده است : ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ و بسیار آیات دیگر که مجال ذکر آن نیست .

با توجه به اینکه زندگی امیر مؤمنان سراسر اخلاص است ولی به مصداق آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید ، مولوی در این ابیات یکی از مصادیق اخلاص آن حضرت علیه السلام را بیان نموده است در تاریخ و روایات نقل است چون در جنگ احزاب آن امام علیه السلام بر بزرگترین دشمن اسلام یعنی عمرو بن عبدود دست یافت بعد از به خاک افکندن آن کافر قوی پنجه در کشتن او درنگ نمود و لختی از آن کافر فاصله گرفت و پس از اندکی قدم زدن بازگشت و سر او را از تنش جدا کرد ، از آن حضرت علت این کار را پرسیدند فرمود :

چون به مادرم ناسزاگفت و به صورتم آب دهان انداخت ترسیدم اگر او را با آن حالت بکشم برای رضای خودم و هوای نفسم باشد بدین خاطر او را رها کردم تا خشمم فرو نشیند و فقط برای جاب رضای خدا او را هلاک سازم . (بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۵۱-۵۰)

علی علیه السلام مظهر صبر و حلم و دادگری

که نیم کوه ز صبر و حلم و داد کوه را کسی در رباید تند باد
مراد آن است که صاحب تمکین را باد هوای نفس نمی تواند از مقامش متزلزل و جدا کند . (شرح انقروی ص ۱۳۶۹)

حلم و صبر خلاف آنچه به ذهن متبادر می شود دو کلمه مترادف نیستند ، صبر به معنی استقامت و پایداری در برابر سختی هاست ولی حلم علاوه بر معنای عقل بیشتر به معنی بردباری و آرامش در برابر خشم و غضب است و بر این اساس حلیم کسی است که در مقابل اعمال نابخردان و رفتار خشم گیران خویشتندار باشد . در این بیت مولوی آن حضرت را کوه صبر و حلم و داد یعنی مظهر تام و تمام استقامت و بردباری و عدل و داد معرفی نموده است :

۱- صبر

امام علی علیه السلام در صبر و شکیبایی کاملترین افراد بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله است آن

حضرت در برابر فتنه‌های بعد از وفات پیامبر با نهایت درد و رنجی که از مصائب فتنه‌گران به او رسیده بود چون کوهی مقاوم و استوار از جای نلغزید و در برای حفظ اسلام مدت ۲۵ سال صبر کردند و در این باره فرمودند: «فصبرتُ و فی العین قذی و فی الحلق شجی» یعنی مانند کسی که خاری در چشمش خلیده و استخوانی در گلویش مانده صبر نمودم.

۲- حلم

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره حلم علی علیه السلام فرموده‌اند: «لو كان الحلم رجلاً لكان علياً» (فرائد السمطين . جوینی خراسانی ج ۲ ص ۶۸) اگر حلم به صورت مردی ظاهر می‌شد بی گمان به صورت علی آشکار می‌گشت.

۳- داد

امام علی علیه السلام اسوه کامل عدل و داد است و حکومت پنج ساله پر برکت آن حضرت تجسم عملی عدالت‌طلبی و دادگستری است . داستان رفتار عادلانه آن حضرت با برادرش عقیل نمونه والای رعایت حقوق بندگان خدا و دوری از هرگونه اعمال تبعیض حتی در باره نزدیکترین کسان خود می‌باشد .

امام علی علیه السلام مظهر اراده الهی و یگانه در اطاعت محض از خداوند

کوهم و هستی من بنیاد اوست و ر شوم چون کاه بادم باد اوست

جز به میل او نجنبد میل من نیست جز عشق احد سرخیل من

آن حضرت در باره خود فرموده‌اند: «أنا عين الله و أنا يد الله و أنا جنب الله و أنا باب الله» من چشم خدا، دست خدا، قرب خدا و باب خدایم . و نیز فرموده‌اند: «أنا يد الله المبسوطة على عباده بالرحمة و المغفرة» منم دست گشاده خداوند بر سر بندگان که پر از رحمت و بخشایش است . (بنایع المودة . فندوزی بلخی ج ۳ ص ۴۰۱)

میل من جز به یاد اراده و هوای محبت او حرکت و جنبش نمی‌کند، سرخیل من غیر از عشق حضرت احد هیچ چیز نیست یعنی سردار قشون وجودم فقط عشق

اوست و قوای روحانی و نفسانی ام تابع وی است . (شرح انقروی ج ۳ ص ۱۳۷۰)
و آن حضرت در حدیثی فرموده‌اند : «المؤمن من كان حُبُّه لِّلَّهِ و بغضُه لِّلَّهِ و اخذُه
لِّلَّهِ و تركُه لِّلَّهِ» مؤمن کسی است که دوستی ، دشمنی ، مؤاخذه و یقه گیری و ترک آن
را همه برای خدا انجام دهد. (غررالحکم ص ۶۷)

علی علیه السلام مظهر کظم غیظ و حلیم

خشم بر شاهان شه و ما را غلام خشم را هم بسته‌ام زیر لگام
تسیغ حلمم گردن خشم زده ست خشم حق بر من چو رحمت آمدست
اگر چه شاهان همه بندگان خشم و غضب خود هستند ولی من بر خشم خود
مسلط و او فرمانبر من است و آنرا که چون مرکبی سرکش است زیر لگام آورده‌ام (که
به وقت خود با آن می تازم و آن جز در راه خداوند بکار گرفته نشود)

امام علی علیه السلام با آنکه شجاعترین و بردبارترین و باگذشت‌ترین مردم بود ، گاهی
می فرمود : شرم دارم که گناهی از عفوم بزرگتر و جهلی از حلمم بیشتر باشد . نقل
می کنند روزی ابوهریره سخنان زشت و توهین آمیزی به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت .
فردای آن روز برای حاجت مهمی پیش ایشان آمد . امام علیه السلام بی درنگ نیاز او را
برطرف ساخت . یاران امام با تعجب گفتند : چرا چنین کردید ؟ حضرت فرمودند :
شرم داشتم از اینکه جهالت و نادانی او بر حلمم ، خطایش بر عفوم و سؤالش بر
کرمم غلبه یابد ، از این رو حاجتش را روا ساختم .

علی علیه السلام ابوتراب

غرق نورم گر چه سقلم شد خراب روزه گشتم گر چه هستم بوتراب
علی علیه السلام فرمود ، من اگر چه ظاهرم خراب است ولی سراپا نورم و اگر چه ملقب
به ابوترابم ولی روزه رضوانم

و مراد آن است که : «اگر چه ابوترابم لیکن من باغ گلهای حقایق و معارف و اسرار
و لطایف شدم اگر چه صورت ظاهرم فانی و خراب شده است ولی در بحار الانوار

حق مستغرق گشته‌ام» (شرح انقروی ج ۳ ص ۱۳۷۲)

ابو تراب محبوبترین کنیه‌ها نزد امام علی علیه السلام بود. در شهرت، همتای ابوالحسن است. (بسیاری از روایات بر محبوبیت این کنیه نزد امام دلالت دارد) (الاستیعاب ج ۳ ص ۲۱۵) شهرت این کنیه علل گوناگونی دارد از جمله سوء استفاده دشمنان امام از این لقب در نکوهش‌ها و سب و لعن‌ها می‌باشد. واژه ابوتراب حتی در نامه لوئی سوم به عمر بن عبدالعزیز آمده است (مجله علوم حدیث، سال پنجم، شماره سوم، ص ۴۹)

علی علیه السلام زاهد راستین، خاکسار و بی تجملات و تشریفات بود و پیامبر صلی الله علیه و آله این نشان ساده زیستی را فقط به او داد. (همدمی با فقیران، افتخار امیر مؤمنان علیه السلام بود در لغت «ترب بعد ما أترب» یعنی پس از غنا فقیر شد» (تاج العروس ج ۲ ص ۶۳) در قرآن «متربه» در «او مسکیناً ذا متربه» به همین معنا است. (بلد / ۱۶) از طرفی این نام، یاد آور ملاطفت پیامبر به امام، و مایه افتخارش بود.

عمار یاسر این گونه نقل می‌کند: روزی من و علی بن ابی طالب علیه السلام در بین نخل‌های کوچک، روی خاک‌های نرم خوابیده بودیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله ما را بیدار کرد و خون علی بن ابی طالب را خاک آلود دید فرمود: قم یا اباتراب. (السیره النبویه ج ۲ ص ۲۴۹)

عبایه بن ربیع می‌گوید: از عبدالله بن عباس پرسیدم: چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را ابوتراب نامید؟ در پاسخم گفت: زیرا او پس از پیامبر صاحب زمین و حجت خدا بر اهل زمین است، و بقای زمین به وسیله او است و آرامش زمین به او بستگی دارد. از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: اذا كان يوم القيامة و رأى الكافر ما أعد الله تبارك و تعالی لشيعه علي من الثواب و الزلفى و الكرامة قال: يا ليتنى كنت تراباً. - ای یا لیتنی کنت من شیعۀ علی. و ذلك قول الله عز و جل: و يقول الكافر يا ليتنى كنت تراباً. هنگامی که قیامت به پا شود و کافر آن همه ثواب و

تقرب و کرامتی را که خدای تبارک و تعالی برای پیروان علی علیه السلام فراهم کرده است ببیند ، می گوید : ای کاش تراب بودم ، یعنی ای کاش از شیعیان علی علیه السلام بودم . و این است معنای سخن خدای بلند مرتبه که از زبان کافر می فرماید : ای کاش من خاک بودم . (معنی الاخبار ص ۱۲۰ ، علل الشرایع باب ۱۲۵ ص ۱۸۸ - ۱۸۷)

علامه مجلسی در ذیل این حدیث می نویسد : شاید یاد کرد این آیه ، وجه تسمیه دیگری برای نامیدن علی علیه السلام به ابوتراب باشد ، زیرا شیعیان او در برابر او امرش : خود را بسیار ناچیز ، مطیع و خاکی می گرفتند . از این رو ، به آنان تراب گفته شده و چون حضرت علی علیه السلام صاحب و مالک امور و رهبر آنان است ، ابوتراب نامیده شده است .

علی علیه السلام از خدا و برای خدا و بسوی خدا (جملگی لله)

چون در آمد در میان غیر خدا تیغ را اندر میان کردن سزا

.....

بخل من لله عطا لله و بس جمله للهام نسیم من آن کس

آنچه لله می کنم تقلید نیست نیست تخیل و گمان جز دید نیست

ابیات فوق اشاره به این حدیث دارد که : «مَنْ أَعْطَى لِلَّهِ وَ مَنَعَ لِلَّهِ وَ أَحَبَّ لِلَّهِ وَ أَبْغَضَ لِلَّهِ وَ أَنْكَحَ لِلَّهِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ» هر که برای خدا ببخشد و بازدارد و برای خدا دوستی نموده و یا دشمنی ورزد و برای خدا ازدواج کند همانا ایمانش را کامل نموده است . (احادیث مشنوی ص ۳۷)

و نیز اشارت به این حدیث شریف دارد که : «المؤمن إذا أحبَّ الله و إذا أبغضَ أبغضَ لله و إذا أعطى أعطى لله و إذا أمسك أمسك لله فهو من الله و لله و الی الله» مؤمن اگر دوست بدارد برای خدا دوست بدارد و اگر دشمن می دارد برای خدا دشمن بدارد و اگر بخشش می نماید برای خدا بخشش نماید و اگر باز می دارد برای خدا باز گیرد از خدا و برای خدا و بسوی خداست . (بخارج ۶۹ ص ۲۳۶ ، اصول کافی ج ۱)

حق تعالی در وصف حضرت مرتضیٰ علیه السلام و فاطمه زهرا علیهما السلام و حضرت حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و خادم ایشان فرمود: ﴿وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ (الانسان / ۸) یعنی، اطعام مساکین بر محبت الهی کشند و از غلبه محبت هلاک خویش در گرسنگی فراموش نمایند و این کار از تقلید نخیزد و گمان را در آن مدخلی نباشد.

نتیجه:

- آنچه از این پژوهش حاصل می‌گردد در عباراتی کوتاه چنین است:
- مولوی از مریدان و شیفتگان و دلدادگان امام علی علیه السلام می‌باشد.
 - او امام علی علیه السلام را مقتدای خود و پیشوای سالکان طریق حقیقت می‌داند.
 - او تلاش نموده به تلویح یا تصریح مناقب مذکور ایشان از زبان پیامبر ﷺ را به وجهی زیبا و مؤثر در قالب اشعار به گوش همگان برساند.
 - به فضائل و مناقب آن حضرت که از زبان پیامبر ﷺ نقل گردیده واقف است.
 - او امام علی علیه السلام را نور الهی، مظهر ولایت الهی، دانای علوم غیبی و اسرار نهانی، مظهر افعال الهی، دانای اسرار الهی و انسان کامل، بردبارترین و داناترین، جمله عقل و دیده و جان بخش مردگان می‌داند.

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- مثنوی مولوی
- ۴- شرح کبیر انقروی بر مثنوی معنوی مولوی، انقروی، ترجمه عصمت ستارزاده، چاپ اول، انتشارات میهن، تهران / ۱۳۴۹ ه. ش.
- ۵- شرح مثنوی، رینولد الین نیکلسون، چاپ دوم، لندن / ۱۹۶۹ م.

- ۶- شرح مثنوی ، سید جعفر شهیدی ، چاپ اول ، تهران / ۱۳۷۸ .
- ۷- شرح مثنوی ، محمد استعلامی ، چاپ سوم ، انتشارات زوار ، تهران / ۱۳۵۷ .
- ۸- احادیث مثنوی ، بدیع الزمان فروزانفر ، انتشارات دانشگاه تهران ، تهران / ۱۳۳۴ هـ . ش .
- ۹- احقاق الحق و ازهاق الباطل ، سید نورالله حسینی مرعشی تستری ، با تعلیقات سید شهاب الدین حسینی مرعشی نجفی ، چاپ اول ، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی ، قم / ۱۴۱۷ هـ . ق .
- ۱۰- اصول الکافی ، محمد بن یعقوب الكلینی ، تصحیح محمد جعفر شمس الدین ، چاپ اول ، دارالتعارف للمطبوعات ، بیروت / ۱۴۱۱ هـ . ق .
- ۱۱- الامالی ، ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی ، قم ، دار الثقافة ، ۱۴۱۴ هـ . ق .
- ۱۲- الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور ، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی ، مطبعة الیمینیه ، مصر / ۱۳۱۴ هـ . ق .
- ۱۳- الصواعق المحرقة ، ابن حجر عسقلانی ، تحقیق عبدالرحمان بن عبدالله التركي و کامل محمد الخراط ، چاپ اول مؤسسه الرساله ، بیروت / ۱۴۱۷ هـ . ق .
- ۱۴- بحار الانوار ، محمد باقر مجلسی ، چاپ سوم ، مؤسسه الوفاء ، بیروت / ۱۴۰۳ هـ . ق .
- ۱۵- ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی ، مقدمه جمیل ابراهیم حبیب ، دارالتربیه ، بغداد .
- ۱۶- شواهد التنزیل ، حاکم حسکانی ، محمد باقر محمودی ، چاپ اول ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، تهران / ۱۴۱۱ هـ . ق .
- ۱۷- علی کیست ، فضل الله کمپانی ، دارالکتب الاسلامیه ، تهران .
- ۱۸- غایة المرام فی حجة الخصام ، سید هاشم بحرانی ، ایران / ۱۳۴۱ هـ . ق .
- ۱۹- غرر الحکم و دررالکلم ، عبدالواحد بن محمد آمدی ، تصحیح و تحقیق میر جلال الدین محدث ارموی ، چاپ پنجم ، انتشارات دانشگاه تهران ، تهران / ۱۳۷۳ هـ . ش .
- ۲۰- فرائد السمطین ، ابراهیم بن محمد جوینی خراسانی ، تصحیح و تعلیقه محمد باقر محمودی ، چاپ اول ، مؤسسه المحمودی للطباعة و النشر ، بیروت / ۱۳۹۸ هـ . ق .
- ۲۱- فضائل الصحابة ، أبی بکر أحمد بن الحسين بن علی الشافعی بیهقی ، صاحب السنن ، متوفی ۴۵۸ هـ . ق ، طبع مصر .
- ۲۲- کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال ، علی متقی بن حسام الدین هندی ، شرح و ضبط بکری حیانی ، تصحیح و مقدمه و فهارس صفوة السقا ، مؤسسه الرساله ، بیروت / ۱۴۰۹ هـ . ق .
- ۲۳- کنوز الحقائق فی حدیث خیر الخلائق ، عبد الرؤوف المناوی الحواری المصری ، مصر / ۱۳۵۷ هـ . ق .
- ۲۴- لسان المیزان ، أبی الفضل احمد بن علی (ابن حجر العسقلانی) المتوفی عام ۸۵۲ هـ ق ، طبع حیدرآباد الدکن عام ۱۳۳۱ هـ ق .
- ۲۵- ینابیع المودة ، حافظ سلیمان القندوزی الحنفی ، نجف اشرف / ۱۳۸۴ هـ . ق .

